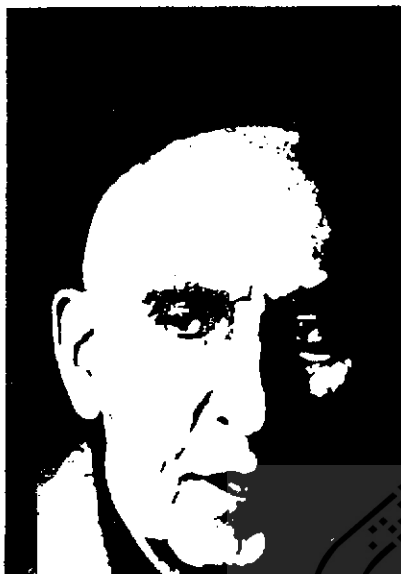


نامه‌ها، اسناد و عکسهای تاریخی

- چهارده نامه از دکتر محمد مصدق/ دکتر ناصرالدین پروین
- نامه‌ای از رشديه به احمد شاه/ هاشم بنابور



مجموعه‌ی چهارده نامه‌ی روانشاد دکتر محمد مصدق که با همت جناب علی دهباشی به نظر خوانندگان گرامی بخارا می‌رسد، خطاب به سرلشکر دکتر فتح‌الله دفتری‌ست. آن مرحوم، فرزند میرزا نصرالله‌خان فخام السلطنه (پسر میرزا حسین وزیر دفتر) و خانم جمیل الدوله‌ی قهرمانی قاجار بود. وی، در پاریس و لیون آموزش پزشکی دید و جراح ارتش شد. بعد از بازنشستگی، مدتی دادستان نظام پزشکی بود و چند سالی نیز ریاست مرکز بهداشت سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران را بر عهده داشت. پس از پدرم، مادرم روانشاد نور جهان قهرمانی قاجار با دکتر دفتری که از بستگان خود او بود ازدواج کرد و بدین ترتیب، بستگیهای نسبی و سببی که با روانشاد دکتر مصدق داشت، افزونی یافت. مدتی هم در دوره‌ی وزارت فرهنگ محمد درخشش، او را از سمت بازرس وزارت فرهنگ معلق و منتظر خدمت کردند و به دستور دکتر مصدق، مأمور رسیدگی به امور داخلی بیمارستان نجمیه شد و یا چیزی شبیه به آن. با این حال، پیشینه‌ی اختلاف ملکی پدربزرگش شعاع الدین میرزای قهرمانی (پسر دائی مصدق) با مصدق، او را نسبت به پیشوای نهضت ملی بدبین می‌ساخت. با توجه به آن سابقه، چون هنگام کار در بیمارستان نجمیه دریافت که خبرچینانی جزء و کل کارها را به اطلاع تبعیدی احمدآباد می‌رسانند - چنان که خود می‌گفت - به او اطلاع داد که از این «جاسوس بازی» خسته شده است و از کار دست کشید.



چهار سال بعد، به سال ۱۳۴۵، دکتر مصدق شادروان دکتر دفتری را که تازه بازنشسته شده بود، به نظارت بر کار بیمارستان نجمیه گمارد و این نامه‌ها، مربوط به آن دوره است. اما چگونگی دستیابی من به این نامه‌ها: چون علاوه بر خواهر تنی‌ام، دو برادر و دو خواهر من که فرزندان شادروان دکتر دفتری هستند در آمریکا به سر می‌بردند، پس از انقلاب به تقریب هر روز سری به خانه‌ی مادرم می‌زدم تا او و دکتر را از تنهایی در آورم. مادرم سخت به ادب فارسی علاقه‌مند بود. در یکی از دیدارها، چکامه‌یی را که ساخته بودم برای او و مرحوم دکتر دفتری خواندم و چون به این بیت رسیدم:

گر که از میرزا تقی خان و مصدق بگذری در دو صد سال از رجال ما وطنخواهی نبود
مادر من شروع به گفتن سخنانی منفی درباره‌ی مصدق کرد و جز و بحث میان ما بالا گرفت. آخر سر، گفتم: «همین که از میان لجن‌زار اشرافیت ایران کسی مانند مصدق بیرون آمده است، موجب شگفتی است»، مادر سخت برآشفته و به طعن و لعن من پرداخت! دکتر دفتری فاقد هر گونه جهتگیری سیاسی بود. به جای دخالت در دعوا و مرافعه‌ی ما، گفت: «تا مادرت تو را به خاطر مصدق عاق نکرده، دست‌بردار و جواب‌نده! در عوض، چون این قدر دل‌باخته دکتر مصدق هستی، نامه‌هایش را به تو خواهم داد» و بدین ترتیب، من به طور موقت مالک این نامه‌ها شدم. «موقت» از آن رو که سرانجام آنها و پیوسته‌ایشان را به همراه اسناد و مدارک خانواده‌های پدری و مادری‌ام، به سازمان اسناد ملی خواهم سپرد.

تهران. هشتم اردی‌بهشت ۱۳۸۴

احمد آباد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر مصطفوی
جناب سرکار اداری از طرف همکس امرتسر برای
نمونه ای ایبار که مگر نمونه در امرتسر اداری
از طرف ما جناب سرکار امرتسر ۵۹ اردیبهشت
مهرتس مایان با سرکار امرتسر
آدمای و ۵ اردیبهشت امرتسر
کمر



۲۴۱

احمد آباد ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری مدیر محترم بیمارستان نجمیه

نظر باینکه یک نفر طبیب در دو بیمارستان آنهم در صورتیکه در عوائد یکی از آنها شریک باشد از نظر تحصیل عوائد چندی بیطرفی نخواهد داشت بنابراین جناب آقای دکتر مصطفوی و خانم محترم مشان برای کسب کار یکی از دو بیمارستان نجمیه و آریا هر کدام را که صلاح می دانند باید انتخاب فرمایند. متمنی است اجرای این دستور را هر طور که صلاح دانند صادر فرمایند متولی بیمارستان نجمیه و موقوفات آن.

دکتر محمد مصدق

۲

احمد آباد ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر مصطفوی

مرقومه جنابعالی و اصل و از مندرجاتش اطلاع حاصل گردید. قبول بفرمائید با وضعیتی که این جانب دارم در این قبیل امور نمی توانم وارد شوم و تصمیمی که مقتضی است اتخاذ نمایم

این است که قبل از وصول مرقومه شرحی به جناب آقای دکتر دفتری نوشته و نظر باینکه مدیریت بیمارستان بعهدهی ایشان محول شده هر تصمیمی که ایشان اتخاذ فرمایند مورد قبول این جانب است

دکتر محمد مصدق

نسخه دوم برای اطلاع و استحضار جناب آقای دکتر دفتری ارسال میشود

۳

احمد آباد ۲۸ اردی بهشت ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری مدیر محترم بیمارستان نجمیه

یکی از اعضای اداری اوقاف شکایتی کرده که عیناً برای اطلاع و استحضار جنابعالی ارسال میشود تا هر طور لازم باشد جواب داد شود

دکتر محمد مصدق

۴

احمد آباد ۳۰ اردی بهشت ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

یادداشت‌های جنابعالی بوسیله آقای محمود و یا دکتر محمود مصدق عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. توفیق جنابعالی را در پیشرفت آن مؤسسه خیریه خواهانم.

راجع به دو تانکر و کمپرسی که به خرج بیمارستان آمده ولی نه کسی تحویل گرفته و نه خانم دفتری حواله صادر کرده شرحی آقای نجعلی فلاح نوشته که از نظر جنابعالی خواهد گذشت خواهانم بهر طور که صلاح می دانید در این باره تحقیقاتی بفرمائید تا معلوم شود حقیقت امر چیست و خاطر بنده را راحت بفرمائید. چون اگر به این ترتیب احساسی دارد بیان شود دیگر نمی توان بکار ادامه داد. بیش از این عرضی ندارد

دکتر محمد مصدق

۵

احمد آباد ۷ خرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

جواد نامی اهل آبیگ آمده و شکایت می کند که برای ورود به بیمارستان مراجعه کرده جنابعالی به او هیچ جوابی نداده اید و فرموده اید برود یک جفت جوراب خریداری کند اکنون باز بدک می دانم که این قبیل شکایتها سلب میشود که حیثیت بیمارستان بکلی از بین می رود امیدوارم طوری بفرمائید که مراجعین راضی از بیمارستان خارج گردند.

دکتر محمد مصدق

حاجت های زکریا

مهرت
نمبر

تازه سید زکریا که از غیر نفس صدر کفای میگردند خواهی که در آن
 صبح برابر بار بار که ای طاعتها بنده به خرد در خرد تو - حوام
 عاید شود که درین زکریا صدر رقم و فقهی است در ای
 طاعتها م ۵ در آن بر آن است که صدر کفای و در آن نشد
 یار خارج خواهد بود و در آن خطره است از آن خود
 آن معترضه خارجی بنده به بر آن بر آن خود
 در آن کار که بر سر ای م ایجا - آن سر آمد که در آن نشد
 رفت و تلفی که در آن تا ۲۴ عتبه که از آن عمل است
 و نیز در خانه که ای طاق مسلم ربح عاید از آن که در آن نشد
 این صورت دستور در آن نشد که در آن نشد
 نگردد که این صورت طرف ۲۴ عتبه که در آن نشد

۲۴۲

مهرت

احمد آباد ۱۷ مرداد ۱۳۴۵

حساب دکتر مری

بسم الله الرحمن الرحيم
 انبوی ۱۵ مرداد چهارم که راجع به امر التعمیر و تعمیرات
 در بیمارستان است که در جدول زیر شرح شده است
 بسم الله الرحمن الرحيم
 یک شهرامی را تعمیر کرده که در جدول زیر شرح شده است
 حقی را در جدول زیر شرح شده است
 باقی مانده که تعمیر شده اگر در جدول زیر شرح شده است
 بسم الله الرحمن الرحيم
 در جدول زیر شرح شده است

۲۴۴

معلوم نیست چرا اسم او را در دفتر ثبت کرده‌اید. دو تومان هم مخارج کرده و نتیجه‌ای نبرده است.

احمد آباد ۸ خرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

مرفومه جنابعالی عز وصول بخشید معمول نیست که در بیمارستان جوراب هم بمریض بدهند اگر جنابعالی چند حب و کپسول که برای درد پا مفید بود بمریضی لطف میفرمودید راضی میشد و شکایت هم نمی‌کرد. پس باید جنابعالی رفتار خود را با مرضا طبق معمول مملکت تغییر دهید در بیمارستان اگر همه شکایت کنند دیگر آبرویی برای مؤسسه باقی نمی‌ماند متمنی است نظریه خود را در خصوص کار مخالف معمول آقای فرجیان مرفوم فرمائید که تکلیف او معلوم شود

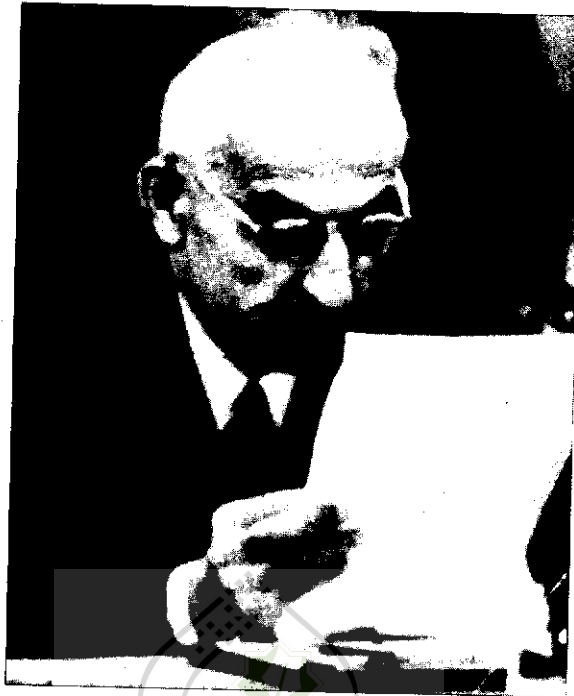
دکتر محمد مصدق

۷

احمد آباد ۲ تیر ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

در حساب اردی بهشت ماه ۱۳۴۵ نظریاتی هست که باید مرتفع و تکلیف آن معلوم شود تا



این جانب بتوانم صحت آن را تصدیق کنم گزارشی که آقای طاهری تهیه نموده ارسال میشود که جنابعالی نسبت به تمام فقرات آن رسیدگی و اظهار نظر فرمائید.

در هیچیک از ماهها هیچوقت مصرف برنج بیمارستان به ۲۸۰۰ تومان بالغ نشده خرید برنج باید معادل مصرف مرضا باشد و کارگران حق استفاده از برنج ندارند.

از قرار مذکور جنابعالی نجار بیمارستان را که این جانب بکار فهمی و دقت او کمال اطمینان را داشتم جواب فرموده‌اید آیا جھتی هم داشته است امیدوارم علت را مرقوم فرمائید.

تصمیم‌گیری که باید برگرد هم مبلغ یکمصد تومان دریافتی از آقای محبعلی فلاح فرجیان است که دریافت نموده در حساب اردیبهشت ماه چیزی از این بابت جمع نشده. در صورتیکه تصمیم پرداخت این مبلغ را این جانب گرفته و به جناب عالی اطلاع دادم که در حساب تیر ماه می‌بایست دریافت و داده شود امیدوارم در فقرات فرق ریز در فقراتی که گزارش آقای طاهری ذکر شده نظرات خود را مرقوم فرمائید. اوراقی که برای ورود بیمارها در بیمارستان تهیه شده بسیار خوب [است] بشرط اینکه خرج شود و هم پزشکان اوراق مزبور را کامل کنند که از آن بتوان استفاده نمود.

احمد آباد ۱۶ ستمبر ۱۳۴۵

حاج آغا دگر دفری محسن
موقوفہ تاریخ ۱۵ جاری غرضوں اور راجہ
درمجب بیت تعجب گریہ حیح زبور
حسہ سہ لہ دگر کمال کمال
مرفعت یکم در راجہ صنعت ترمود
دگر دفری



احمد آباد ۶ تیر ماہ ۱۳۴۵

۲۴۶

جناب آقای دکتر دفتری

طبق مقررات اداری اوقاف هیچکس نمی تواند برای موقوفه تعهدی ایجاد کند مگر متولی موقوفه و از طرف اداری اوقاف مآذون باشد. بنابراین اسناد ۵۹ هزار تومان وجه تلفن بیمارستان باید بامضای این جانب برسد. خواهشمندم اقدام فرمائید که این کار بر خلاف مقررات صورت نگیرد.

دکتر محمد مصدق

۹

احمد آباد ۲۷ تیر ماہ ۱۳۴۵

خدمت جناب آقای دکتر دفتری

آیا ممکن است وجهی از بانک بگیرم در حد کلیه اوراق دو گانه را بردارم. شرکت از این بابت چقدر از لحاظ سود کسر میکند که یک مرتبه طلب شرکت پرداخته شود و احتیاجی نباشد. منتظر جواب جنابعالی هستم و البته بیش از ۴۸ ساعت طول نخواهد کشید.

دکتر محمد مصدق

۱. در زیر نامه آمده «دو درصد می توانند کسر نمایند» خط زیر نامه از دکتر مصدق نیست.

چند روز قبل عرض کردم این رقم پاکت برای مکاتبات عادی ضرورت ندارد و یک خرج اضافی است که تحمیل بیمارستان میشود و این پاکت را نمی توان در جیب گذاشت و حتماً یک کیف هم لازم است که حامل داشته باشد پاکت را در جوف کیف بگذارد.

جناب آقای دکتر دفتری

رسید وجه از طرف شرکت استاندارد الکتریک ایران رسید و موجب امتنان گردید برای ارسال مراسلات کوچک تان پاکت مناسب ندارد و بعلاوه اسباب زحمت است بفرمائید پاکت کوچک خریداری کنند و هر پاکتی را به اندازه مراسله ای که ارسال میشود انتخاب فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۱۰

احمدآباد اول مرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

نظر به اینکه خرید ۱۰۰ دستگاه تلفن جزو مخارج عادی نیست که حسابداری بیمارستان آن را بردارد و در حساب ماهانه بیمارستان وارد کنند چک شماره اول مرداد ۱۳۴۵ بهمندی بانک بازرگانی ایران مبلغ ۴۸۲۱۶۰ ریال از بابت ۱۰ قسط طلب فروشنده بعد از جمع ۷۸۴۰ ریال سود ۸ قسط آخر که از قرار ۲٪ طبق مرقومه جنابعالی کسر شده ارسال میشود که آن را تسلیم شرکت مزبور بفرمایند. در وجهی که حسابداری بیمارستان از بابت دو قسط اول مبلغ ۹۸۰۰۰ ریال پرداخته است شرکت بحسابداری مسترد نماید شرکت یک قبض رسید از بابت وجه تمام ۱۰۰ دستگاه مبلغ ۶۹۰/۱۰۰ ریال صادر و جنابعالی آن را برای این جانب ارسال فرمائید که سر خرج حساب این جانب اداره اوقاف قرار گیرد. می باید دو قسط اول را که شرکت امضا نموده است ارسال نموده که آن را تسلیم شرکت بفرمایند که سند مکرر نداده باشد.

دکتر محمد مصدق

۱۱

احمد آباد ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

(۱) طبق صورتی که چند روز قبل آقای محبعلی فلاح فروحان فرستاده و اکنون آن را میفرستم

که ملاحظه فرمایند برای استخدام خانم حشمت دفتری هیچ محلی نیست. لازم است تعیین فرمائید که حقوق خانم دفتری از چه محل باید پرداخته شود.

(۲) یکی از شرایط خرید چند دستگاه تلفن این بود که جنابعالی مبلغی به اطاقها بیفزائید که

اصحاح ۳۰ در تشریح ۱۳۴۵

خاسته ای که در تفریق
 اید است ای خفا و نه سینه ای موه و در کفر و صدق
 عر حصول ابداء کنند در جبهه ای که
 ۵۵ را در تفریق ای کسر ختمه حوازم
 راجع به ای که در کفری م کوه - باران ای
 رانندگی که تفریق زنه عالم تفریق حوازم که در
 تا محلی نفع و جهان در تفریق حوازم که
 حوازم به طور م صنیع زنده راجع به
 بنام زود حقیقت ارجی است زنده راجع
 رحمت نبوت حوازم که در تفریق حوازم
 سوف کفر که در تفریق حوازم که در تفریق حوازم
 دکلمه در

محلّی برای پرداخت این وجه بدست دهد. اکنون بیش از دو ماه می‌گذرد جناب عالی چنین صورتی را برای اطلاع این جانب ارسال نفرموده‌اید که بعد از تصویب این جانب بموقع اجرا گذارده شود لازم است در این دو فقره توضیحات لازم را مرقوم بدارید.

پیوست صورت ارسالی را پس از ملاحظه به آقای فروحان تسلیم فرمائید از قرار مذکور جناب عالی فرموده‌اید بخاری خاک ازه مفید نیست و باید بخاری نفتی تهیه شود به دلایل ذیل این جانب با این تصمیم مخالفم

۱. باید مبلغی وجه برای خرید بخاری نفتی به کار برد.

۲. بخاری نفتی خطر دارد ولی خاک ازه خطر ندارد

۳. خاک ازه را یک روز می‌آورند و شخص مورد اطمینان تحویل می‌گردد ولی به حساب نفت روزانه رسیدگی و اشکال دارد.

دکتر محمد مصدق

۱۲

احمدآباد ۱۷ مرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

نامه‌ی ۱۵ مرداد و اصل گردید راجع با استخدام بانو حشمت دفتری اکنون قریب دو سال است که مشارالیه در بیمارستان نیست و کسی هم از نبودن پرستار شب شکایتی نکرده جناب عالی مدیر بیمارستان هستید مدیر حق ندارد بدون اطلاع و تصویب متولی کسی را وارد بیمارستان کند باید ضرورت یک استخدامی را پیشنهاد کند چنانچه متولی تصویب نمود اقدام نماید به اینکه استخدام کنید و هرگونه حقی را از متولی سلب کنید جناب عالی مدیر هستید و یک دقیقه در این مدت فکر نکرده‌اید که اثاثیه بیمارستان را بکسی تحویل دهید که اگر از بین رفت او مسئول باشد. صراحتاً می‌نویسم که از این ببعده بدون تصویب این جانب نباید کسی را وارد بیمارستان بفرمائید اکنون لازم است که اطلاع دهید حقوق بانو حشمت دفتری چه مبلغ می‌باشد.

دکتر محمد مصدق

۱۳

احمدآباد ۱۲۴ مرداد ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

تازه بعد از سه ماه که از خرید تلفن صد دستگاهی می‌گذرد و جناب عالی نتوانستید یک صورت صحیح برای ازدیاد کرایه‌ی اطاقها تهیه نمائید چند روز قبل نوشتید در ماه یکهزار تومان عاید میشود اکنون بدون ذکر هیچ عددی مرقوم فرموده‌اید مبلغ دو هزار تومان عواید اطاقهاست که ۵ هزار تومان برای استهلاک صد دستگاه تلفن و ۵ هزار تومان دیگر برای سایر مخارج خواهد بود

و معلوم نیست ده هزار تومان چطور بدست می‌آید و پنج هزار تومان بقیه آن بمصرف چه مخارجی باید برسد این قبیل نوشتجات برای گیج کرده خواننده خوب است ولی برای کار یک مؤسسه‌ای که باید حساب آن منتشر گردد فایده ندارد و بیش از این اینجانب وقت قلمفرسائی ندارم تا ۲۴ ساعت دیگر از تاریخ وصول این نامه باید صورتی تهیه فرمائید که اضافه کرایه هر اطاق معلوم و مبلغ عایدی این اضافه کرایه در ماه معین گردد و طبق این صورت دستور دادم از اول شهریور بموقع اجارا گذارده شود و بیش از این به صرف و مکاتبه نگذرد چنانچه این صورت ظرف ۲۴ ساعت نرسد از حقوق جنابعالی مبلغی کسر خواهد شد.

دکتر محمد مصدق

۱۴

احمد آباد ۱۶ شهریور ماه ۱۳۴۵

جناب آقای دکتر دفتری

مرقومه مورخ ۱۵ جاری عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تعجب گردید که خیلی زود از کارهایتان خسته شده‌اید و اکنون با کمال تاسف با استعفای جنابعالی موافقت میکنم و برای شما وضعیت بهتر و خوشی آرزو مندم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۰

منتشر شد:

گلگشت در وطن

(سفرنامه‌چه و یادداشتهای سفر از ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۱)

نوشته: ایرج افشار

گردآوری: بابک، بهرام، کوشیار و آرش

نشر اختران - تلفن ۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۹۵۳۰۷۱